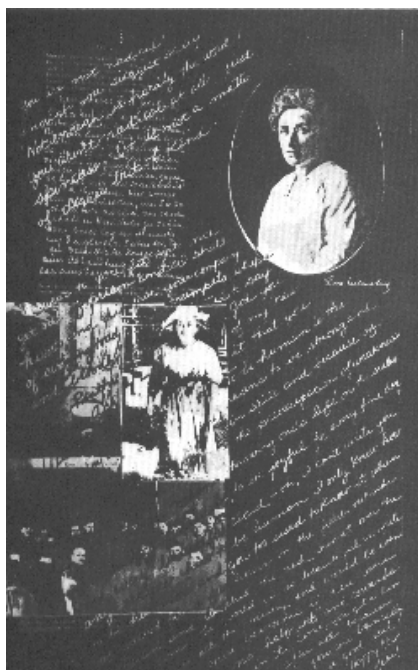


اعتصابات توده‌ای و انقلاب

برگردان: سروش محبی



که به صورت زد و خورد در سنگرهای خیابانی و رویارویی آشکار با قدرت مسلح توده‌ای تجلی می‌یافت، در این دوران به جنبه‌ی ثانوی انقلابات کنونی بدل شده است. و در میان کل روند مبارزه‌ی توده‌ای کارگران، تنها لحظه‌ای بیش نیست. (م. س. ن. ج. ا، صفحات ۲۲۸-۲۲۷) بوداپست، ۱۹۵۶*

بر خلاف همگی اصلاح طلبانی که میان مبارزه‌ی حزبی برای اصلاح اقتصادی و مبارزه‌ی سیاسی برای انقلاب، به اندازه‌ی یک دیوار چین فاصله می‌دیدند، روزا لوکزامبورگ تاکید داشت که در یک دوره‌ی انقلابی، مبارزه‌ی اقتصادی به مبارزه‌ی سیاسی، و بالعکس، بدل می‌شود:

«جنبش تنها در یک جهت، یعنی فقط در مسیر مبارزه‌ی اقتصادی به مبارزه‌ی سیاسی، حرکت نمی‌کند؛ بلکه از جهت مخالف هم در حرکت است. هر عمل توده‌ای مهم سیاسی، پس از آن که به نقطه‌ی اوج خود برسد، به پاره‌ای اعتصابات توده‌ای اقتصادی دامن می‌زند. چنین اصلی، نه تنها به یک اعتصاب توده‌ای منقود، بلکه به طور کلی به خود انقلاب هم تعمیم پذیر است. با گسترده شدن، روشنایی یافتن، و تشدید مبارزه‌ی سیاسی، نه تنها مبارزه‌ی اقتصادی کارگران به عقب رانده نمی‌شود، بلکه برعکس رشد می‌یابد، سازمان یافته تر می‌شود، شدت پیدا می‌کند. میان این دو نوع مبارزه، مبارزه‌ی سیاسی و مبارزه‌ی اقتصادی،

کوتاه خیابانی نیز شکل مناسبی برای مبارزه‌ی انقلابی بشمار می‌رفت. اما امروزه، در دورانی که طبقه‌ی کارگر می‌باید در طی یک مبارزه‌ی انقلابی خود را بیاموزاند، سازمان دهد، و رهبری نماید؛ در دورانی که انقلاب نه تنها علیه قدرت دولت، بلکه علیه استثمار سرمایه داری است؛ اعتصاب توده‌ای به مثابه یک روش طبیعی بسیج کردن وسیع ترین توده‌های طبقه‌ی کارگر برای دست زدن به عمل، برای سازمان دادن آنان، و انقلاب کردن، برجسته می‌شود. در عین حال، اعتصاب توده‌ای، وسیله‌ای است که قدرت دولت موجود را تحلیل می‌برد، آن را بر می‌اندازد، و هم چنین استثمار سرمایه داری را محدود می‌کند... اما برای آن که طبقه‌ی کارگر بتواند در هر اقدام سیاسی خود، به طور مستقیم و به صورت توده‌ای شرکت نماید، ابتدا باید خود را سازمان دهد. به بیان دیگر، طبقه‌ی کارگر باید بتواند بیش از هر چیز مرز میان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، معادن و ریخته‌گری‌ها را از میان بردارد؛ باید بتواند بر شکاف و گسیختگی میان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، که الزام و اجبار سرمایه داری هر روز آن را عمیق‌تر می‌کند، غلبه نماید. بنابراین، اعتصاب توده‌ای نخستین شکل طبیعی و خودانگیخته‌ی هر اقدام کارگری انقلابی و عظیمی است. هر اندازه صنعت به شکل رایج تر اقتصاد بدل شود، نقش طبقه‌ی کارگر از اهمیت بیش‌تری برخوردار خواهد گشت. هر اندازه تضاد بین کار و سرمایه گسترده تر شود، اعتصابات توده‌ای حالتی قدرت مندتر و موثرتر خواهند یافت. شکل اصلی انقلابات بورژوازی پیشین،

در ماه مه سال ۱۸۹۱، حدود ۱۲۵ هزار کارگر بلژیکی در طی یک اعتصاب توده‌ای، خواهان تغییراتی در نظام انتخاباتی این کشور شدند. در آوریل ۱۸۹۳، در اعتصاب دیگری که این بار حدود ۲۵۰ هزار کارگر را زیر چتر می‌گرفت، کارگران خواسته‌ی مشابهی را مطرح کردند. نتیجه‌ی این اعتصابات، کسب امتیاز حق رای همگانی، ولی نابرابر بود؛ نابرابر، زیرا که آرای ثروت مندان و فرهیختگان جامعه دو یا سه برابر بیش‌تر از آرای کارگران و دهقانان بود. کارگران که از این وضعیت هم چنان ناراضی بودند، نه سال بعد باز هم دست به یک اعتصاب توده‌ای زدند و خواهان بازنگری کامل در قانون اساسی بلژیک شدند.

این اعتصابات سیاسی توده‌ای کارگری، تاثیر بی حدی بر روزا لوکزامبورگ گذاشت. وی در مقاله‌ای، که به بررسی همین مساله اختصاص داد («تجربه‌ی بلژیک»، ۲۶ آوریل ۱۹۰۲، و «باز برای سومین بار درباری تجربه‌ی بلژیک»، ۱۴ مه ۱۹۰۲)، به ماهیت انقلابی اعتصاب سیاسی توده‌ای به مثابه ابزار خاص طبقه‌ی کارگر در مبارزه‌ی طبقاتی پرداخت. از نظر روزا لوکزامبورگ، اعتصابات توده‌ای — خواه سیاسی و خواه اقتصادی — عامل محوری مبارزه‌ی انقلابی کارگران برای کسب قدرت کارگری است.

شوق روزا لوکزامبورگ نسبت به این روش و درک و دریافت هوشیارانه‌ی وی در این باره، با انقلاب ۱۹۰۵ روسیه به نقطه‌ی اوج خود رسید: «در انقلاب‌های بورژوازی پیشین از یک سو: احزاب بورژوازی، آموزش سیاسی و رهبری توده‌های انقلابی را بر عهده می‌گرفتند و از سوی دیگر: وظیفه‌ی انقلاب به سرنگون کردن حکومت محدود می‌گشت. و در این متن، زد و خورد‌های

ارتباط و تاثیر متقابلی وجود دارد. از این رو، هر تهاجم و پیروزی جدید مبارزه‌ی سیاسی، تاثیر نیرومندی بر مبارزه‌ی اقتصادی خواهد گذاشت. و در عین حال، افق کارگران را هم فراخ تر خواهد کرد، تا شرایط خود را بهبود دهند، انگیزه‌ی شان را تقویت نمایند، و بر روحیه‌ی مبارزه جویی خود بیافزایند. پس از هر موج بالا گیرنده‌ی اقدام سیاسی، احساسات پر شور و پر باری به جای می‌ماند، که امکان سر بر آوردن هزار مبارزه‌ی اقتصادی را فراهم می‌آورد. عکس این مساله نیز صادق است. مبارزات اقتصادی همیشگی کارگران علیه سرمایه داری، آنان را در هر لحظه‌ای از این مبارزه، سیاسی نگاه می‌دارد. به طوری که می‌توان گفت، مبارزه‌ی اقتصادی ذخیره‌ی همیشگی قدرت طبقه‌ی کارگر است و مبارزه‌ی سیاسی همواره نیروی تازه‌ای از آن می‌گیرد. مبارزه‌ی همیشگی اقتصادی کارگران در هر لحظه، در این جا و آن جا، به شکل درگیری‌های پر تب و تاب و جدا از همی بروز می‌کند، که خود سبب مبارزات پیش بینی نشده و گسترده‌ی سیاسی می‌شود.

در یک کلام، مبارزه‌ی اقتصادی، عاملی است که جنبش کارگری را از یک مبارزه‌ی سیاسی به مبارزه‌ی دیگر به پیش می‌راند؛ و برعکس، مبارزه‌ی سیاسی نیز زمینه را برای مبارزه‌ی اقتصادی فراهم می‌آورد. علت و معلول، در این جا، هر لحظه جا به جا می‌شوند. از این روست، که در می‌یابیم دو عامل اقتصادی و سیاسی در طی دوران اعتصابات توده‌ای در روسیه، به چه دلیل کشش و انگیزه‌ای به جدا شدن از یک دیگر نشان نمی‌دهند؛ و بدین سبب است، که نمی‌گوییم - آن طور که نمونه‌های ممالغتی می‌گویند - که این دو عامل نافی یک دیگر هستند! (همان جا، صفحات ۲۰۲-۲۰۱)

نقطه‌ی اوج ضروری و منطقی اعتصابات توده‌ای، یک قیام آشکار است. قیام آشکاری، که تنها در شکل نقطه‌ی اوج یک سلسله قیام‌های جزئی تحقق می‌پذیرد، که زمینه‌ی آن قیام آشکار را فراهم می‌آوردند. در نتیجه‌ی این منطق، این قیام‌های جزئی محکوم به «شکست‌های جزئی» و به نقطه‌ی پایان خود رسیدن هستند؛ شکست‌ها و نقطه‌ی پایانی که

هر یک نیز «زود رس» به نظر می‌رسند. (همان جا، صفحه‌ی ۲۷۴)

اعتصابات توده‌ای، چه رشدی که در آگاهی طبقاتی کارگران به وجود نمی‌آورند! «با ارزش‌ترین مساله در جزر و مد سریع امواج انقلابی، رشد آگاهی کارگران است؛ چرا که این مساله ماندگارترین چیزهاست. رشد و افزایش سریع آگاهی کارگران، تضمین بدون تردید پیش رفت‌های بعدی آنان در مبارزات سیاسی و اقتصادی ناگزیر آینده است.» (همان جا، صفحه‌ی ۱۸۷)

و کارگران، در این میان، به چه حدی از آرمان خواهی که نمی‌رسند! آنان این فکر را دیگر به کناری می‌گذارند، که آیا چیزی در بساط دارند که بتوانند در طول مبارزه، خود و خانواده‌های‌شان را تامین کنند. آنان دیگر از خود نمی‌پرسند، که آیا همگی مقدمات اولیه‌ی مبارزه فراهم شده است یا نه: «وقتی که یک دوره‌ی جدی از اعتصابات توده‌ای سر می‌گیرد، همگی این فکرها و سئوالات به تلاشی عبث برای اندازه گیری آب آقیانوس با سطل شبیه می‌شوند. و واقعا که اعتصاب توده‌ای، چنین آقیانوسی است. آقیانوسی انباشته از زحمات و محرومیت‌های سخت و ناگوار برای کارگران. و چنین است، هزینه‌ی نامتغیر هر انقلابی! راه حلی که دوره‌ی انقلابی برای مشکل - به ظاهر حل نشدنی - تامین مالی اعتصاب کنندگان چاره می‌کند، شکل دادن به یک آرمان خواهی عمیق و عظیم در میان توده‌های کارگر است، که تقریباً آنان را از بدترین محرومیت‌ها نیز در امان نگاه می‌دارد.» (م. آ.، جلد سوم، صفحه‌ی ۴۵۷)

دیدن فداکاری و قوه‌ی ابتکار انقلابی و با شکوهی که طبقه‌ی کارگر در طی انقلاب کسب می‌کند، چرایی این اعتقاد راسخ روزا لوزامبورگ را توضیح می‌دهد.



* مقصود قیام مردم مجارستان بر ضد حکومت بورکراتیک وقت آن کشور در ۱۹۵۶ است. طی چندین هفته مبارزه‌ی خونین، مردم و به ویژه جوانان، خواهان اعمال مدیریت کارگری بر تولید، برپایی شوراهای کارگری، و پایان دادن به قدرت متمرکز نخبگان بورکرات بودند. آنان مبارزه‌ی طبقاتی را مبارزه‌ی محدود و منحصر به مبارزه میان شرق و غرب، و یا میان اتحادیه‌ها و کارفرمایان، نمی‌دانستند. از نظر آنان، انقلاب، مبارزه برای خود رهایی طبقه‌ی کارگر از

قید و بند رژیم‌های بورکرات و همگی نهادها و ایدئولوژی‌هایی بود، که - چه در غرب و چه در شرق - مانع رسیدن آنان به آزادی می‌شد.



این مطلب، ترجمه‌ی بخشی از کتاب تونی کلیف است که تحت عنوان Rosa Luxemburg و با هدف شناساندن بیش‌تر وی، توسط بنگاه انتشاراتی Bookmarks، در سال ۱۹۸۳، منتشر گشت.



نشریات رسیده

- ❖ «جهان امروز»، نشریه‌ی سیاسی - خبری، از انتشارات حزب کمونیست ایران، شماره های ۱۱۰ تا ۱۱۹، مرداد تا آذر ۱۳۸۲
- ❖ «راه آزادی»، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، شماره‌ی ۹۵، شهریور ۱۳۸۲
- ❖ «تلاش»، شماره های ۱۴ تا ۱۶، ژوئیه تا نوامبر ۲۰۰۳
- ❖ «آرش»، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، شماره‌ی ۸۵، اوت و سپتامبر ۲۰۰۳
- ❖ «آفتاب»، فرهنگی و ادبی و اجتماعی، ۶۰ تا ۶۲، تیر تا آبان ۱۳۸۲
- ❖ «راه کارگر»، نشریه‌ی ارگان مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، شماره‌ی ۱۷۱، نیمه‌ی اول ۱۳۸۲
- ❖ «گار» سازمان فداییان (اقلیت)، شماره های ۴۱۰ تا ۴۱۸، مرداد تا آذر ۱۳۸۲
- ❖ «بولتن نظرات»، از انتشارات حزب رنجبران ایران، شماره‌ی ۲۳، شهریور ۱۳۸۲
- ❖ «آزادی»، جنبه‌ی دموکراتیک ملی ایران، شماره‌ی ۳۰، بهار ۱۳۸۲
- ❖ «بولتن سیاسی - خبری» اتحاد چپ کارگری، شماره های ۱۴۸ تا ۱۵۲، اوت تا اکتبر؛
- ❖ «تک برگی راه کارگر»، شماره های ۱۷۰ تا ۱۸۱، ژوئیه تا دسامبر ۲۰۰۳
- ❖ «انقلاب نوین تکنولوژیک و ترکیب جدید طبقه‌ی کارگر»، نویسنده: عز آشتیانی؛
- ❖ «تحولات دوران ما، مبارزه‌ی طبقاتی، و چشم انداز سوسیالیستی»، نویسنده: جابر گلایبی؛